

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال هجدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۰

[DOR:20.1011.120080514.1400.18.70.163](https://doi.org/10.1011.120080514.1400.18.70.163)

مضامین و مفاهیم عرفانی در اشعار علیرضا قزوئه و احمد عزیزی

ناهید همتی^۱

رضا فهیمی^۲

محمد تقی قندی^۳

چکیده

ادبیات عرفانی بخشی از میراث ادبی است که شاعران عارف تحت تأثیر مشرب تصوف به وجود آورده اند و مضامین عرفانی از گذشته های دور با ادبیات پایداری پیوندی عمیق داشته و بعد از دفاع مقدس پیوندش عمیق تر شده است. مضامین عرفانی نه تنها در اشعار شاعران برجسته عرفانگرا گذشته، بلکه در شعر شاعران پایداری معاصر نیز به ویژه عزیزی و قزوئه از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ادبیات پایداری که با رخداد تاریخی عاشورا گره خورده و رزمندگان، با الگو قرار دادن امام حسین (ع) در راه پاسداری از شرف و غیرت وطن و مقاومت در برابر ظلم؛ شهادت را که مرگی سرخ و عارفانه و نیل به تعالی و کمال است، برگزیده و قزوئه و عزیزی در دوران دفاع مقدس با بهره مندی از مضامین عارفانه؛ ادبیات پایداری را با درون مایه ها عرفانی آراسته و با اشعاری در راستای اهمیت ندادن به تعلقات نفسانی و دنیوی، مضامینی مانند عشق، وحدت وجود، فنا و بقا، تجلی، حیرت و رموز عرفانی چون ساقی، می، میکده، خرابات، ادبیات معاصر را مزین نمودند. در این جستار که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده؛ ضمن ارایه شواهد مثال شاعران مورد نظر به تحلیل مفاهیم عرفانی با استناد بر اشعارشان اشاره شده و سپس در نتیجه گیری به بهرمندی دو شاعر از مفاهیم عارفانه بخصوص مرگ اختیاری شهیدان پرداخته شده است.

کلیدواژگان :

مضامین عرفانی، قزوئه، عزیزی، عاشورا، مرگ سرخ، ادبیات پایداری.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. نویسنده مسئول:

fahimi.ltr@gmail.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

بیان مسأله

ادبیات پایداری به مجموعه‌ایی از آثار ادبی اطلاق می‌شود که شالوده اصلی آن مقاومت و پایمردی و مجاهدت مردم یک کشور و سرزمین که در راه پاسداری از ناموس و شرف و غیرت و آزادی و استقلال خود به خرج داده‌اند و موضوع اصلی آن مقاومت در برابر ستم و ظلم و ارمغان آور آزادی و پیروزی و امید می‌باشد و ادبیات عرفانی که مورد نظر ماست؛ نقطه محوری و جان مایه ادبیات فارسی بوده و ادبیات ایرانی از مفاهیم و مضامین عرفانی مشحون است و پیوندی گسترده با شعر فارسی دارد و به عنوان بخشی غیر انفکاک از ادبیات منظوم و مثنوی‌ایران‌بان بوده و هست و به بیانی دیگر باید گفت که عرفان و تصوف یکی از مکاتب اسلامی است و شاعران پایداری از اصطلاحات و مضامین عرفانی فراوانی در اشعارشان بهره گرفته‌اند. با واکاوی مضامین عرفانی می‌توان دریافت که این مضامین نه تنها می‌تواند انسان را به قرب الهی برساند، بلکه به عروج آسمانی و روحانی راهنمون سازد که این عروج و قرب جز با صیقل دل و پیوند خالصانه با ذات الهی میسر نخواهد شد. میرصادقی ادبیات پایداری را ای گونه بیان کرده است: ادبیات پایداری «به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌های گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است...» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶). ادبیات ایران و انقلاب اسلامی سرشار از مفاهیم و مضامین عرفانی است. و ادبیات دفاع مقدس نیز آینه تمام نمای مقاومت‌ها و ارزش‌های بی‌بدیل انسانی است که دلیر مردانی ایثارگر با هدفی بزرگ و متعالی، تاریخی پرافتخار را برای هموطنان خود رقم زده‌اند و ادبیات پایداری در حوزه موضوع و محتوا در راستای توجه به حقانیت و تشویق به مقاومت و به نوعی توصیفی مبالغه آمیز از فجایع به وجود آمده می‌پردازد. ادبیات پایداری دارای عناصری است که از نگاه بصیری « ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه که حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) و قزو و عزیز از جمله شاعرانی است که بخشی از اشعارشان را به مفاهیم ادبیات پایداری با درون مایه های عرفانی اختصاص داده‌اند؛ نگارنده سعی بر آن دارد در این مقاله با بررسی مضامین عارفانه ادبیات پایداری در اشعار این دو شاعر، آنان را به جامعه مورد هدف معرفی نموده، با بیان اهداف آنان از تصویر پردازی و استفاده از مفاهیم عارفانه ادبیات پایداری، تفاوت‌ها و

تشابه‌های مضامین شعری آنان مورد بررسی قرار خواهد گرفت، دلایل پیوستگی اعتقادات این شاعران با مضامین شعری آنان نیز استنتاج خواهد شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به گستردگی حوزه ادبیات پایداری و تعدد آثار شاعران توانمند کشورمان در این راستا بایسته و ضروری است که پژوهشگران و محققان و دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری در این زمینه با رغبت و انگیزه بیشتری اقدام نمایند، زیرا این ادبیات در نوع خود زیباترین جلوه‌های ادبی را به خود اختصاص داده است. شاعران مورد نظر از مشاهیر توانمند کشورمان در موضوعات مختلف به خصوص در عرصه ادبیات پایداری و مقاومت بوده که با داشتن آثار متنوعی در زمینه‌های مختلف شعر جایگاهی را در بین دوستداران ادبیات کسب نموده و هر کدام از آنان در نهایت سادگی و صمیمیت و زیبایی، واقعیات جنگ تحمیلی و دفاع و استقامت و ایثارگری را در قالب‌های مختلف شعری جلوه‌ای زیبا بخشیده و به خلق آثاری در زمینه ادبیات پایداری دست یازیده و دین خود را به وطن و انقلاب و ارزش‌ها و شهدای هشت سال دفاع مقدس اداء نموده تا برای همیشه نامشان به یادگار بماند.

از اهداف علمی این رساله می‌توان به مواردی چون آشنایی با شعر پایداری؛ تبیین بیشتر درون مایه و مضامین شعری شاعران مورد نظر؛ بررسی و تطبیق مضامین آنها با یکدیگر و آشنایی با شاعرانی که در زمینه ادبیات پایداری و دفاع مقدس با خلق آثارشان برگ زرینی بر ادبیات معاصر کشورمان افزوده‌اند، اشاره نمود.

روش تحقیق در رساله حاضر بصورت مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه ای است. مطالب با استفاده از ابزار فیش گردآوری و دسته بندی شده اند و پس از مطالعه اشعار عارفانه پایداری، شاهد مثالهای مطلوب استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت ادبیات پایداری بویژه شاعرانی که در این زمینه شاخص بوده اند، در چند سال اخیر در زمینه های مختلف ادبیات پایداری مقالات فراوانی در نشریات مختلف به چاپ رسیده است، اما در خصوص موضوع مورد نظر به صورت ویژه و محسوس پژوهشی انجام نشده است. به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده با مضامینی مرتبط با این موضوع به اختصار اشاره می‌گردد:

پایان‌نامه‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی جنبه های زیباشناختی شعر احمد عزیزی براساس کفشهای مکاشفه» توسط زینب زارع و با راهنمایی مرتضی هاشمی (۱۳۸۹). دانشگاه اصفهان در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است که نویسنده با تاکید بر اثر احمد عزیزی به بیان نشانه های اثر ادبی و ساختارهای صوری آن پرداخته است.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «عرفان در شعر معاصر با تأکید بر اشعار محمد رضا شفیعی کدکنی، قیصر امین پور، سیدحسن حسینی، طاهره صفارزاده، احمدعزیزی» توسط سیدمجتبی نعمتی و با راهنمایی بهاءالدین اسکندری (۱۳۹۰). دانشگاه قم در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است که در این پایان‌نامه نویسنده به بررسی اشعار پنج تن از شاعران معاصر و مضامین عرفانی آنها در آثارشان پرداخته است.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی مضامین و زبان شعر احمد عزیزی» توسط . نعمانی، محمد؛ (۱۳۹۳) و با راهنمایی فاطمه مدرسی. دانشگاه ارومیه در مقطع کارشناسی ارشد انجام شد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، احمد عزیزی به گذشته ادبیات فارسی بویژه سبک خراسانی و خصایص شعری و محتوای ادبی و فکری شاعران آن دوران، توجه خاص داشته است. اشعار وی دارای زبانی فاخر و روان و گیرا با صلابت و استواری معهود در سبک خراسانی و در اکثر موارد زود فهم بوده و به مدد اعتقاد شیعی اش، او یکی از زیباترین مدح و توصیف و توجه به ائمه اطهار را در شعر او می‌بینیم.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «رمز و رمزگرایی در مجموعه آثار احمد عزیزی» توسط کلثوم اسفندیاری مهنی و با راهنمایی سعید حاتمی (۱۳۹۳). دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است که با توجه به آثار عرفانی احمد عزیزی نویسنده به بیان اندیشه‌های عرفانی و انعکاس این اندیشه‌ها در اشعار او و پربسامدترین واژه‌های عرفانی پرداخته است.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «نمادپردازی در شعر سمیع قاسم و علی‌رضا قزوه» توسط آذرمهر، آذین و با راهنمایی رسول دهقان‌ضاد (۱۳۹۳). دانشکده اصول الدین در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است که این پژوهش ضمن بررسی آثار شاعران مورد نظر به بهره‌گیری هر دو شاعر از نمادهای ساده و اصلی دال بر پایداری اشاره نموده؛ اما قزوه بیشتر از نمادهای عمومی و قاسم از نمادهای خاص استفاده کرده است.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی تطبیقی عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی» توسط سامان خانی و با راهنمایی یحیی معروف (۱۳۹۴). دانشگاه رازی در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است که نویسنده به بررسی تطبیقی عشق در اشعار این دو شاعر پرداخته و عشق را به عنوان یکی از مضامین مهم شهری و عوامل پیوند میان انسانها بیان نموده است.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «تصویرشناسی ایثار و شهادت در اشعار «سیدحسن حسینی»، «قیصر امین پور» و «علیرضا قزوه» توسط کردستانی، سحر. (۱۳۹۴) و با راهنمایی فاطمه کلاهیچیان دانشگاه رازی در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است. در این پژوهش، با بررسی انواع تصویرهای وابسته به مفاهیم محوری ایثار و شهادت در شعر شاعران مورد نظر به دسته‌بندی و تحلیل تصویرهای به کار

رفته پرداخته و مهم‌ترین کارکردهای معنایی آن‌ها در رابطه با موضوع مورد بحث، در اشعار این شاعران مورد بررسی قرار گرفته است.

پایان نامه‌ای دیگر تحت عنوان «بازتاب نهج البلاغه‌ی امیرالمومنین (ع) بر شاعران دفاع مقدس با تاکید بر اشعار قیصرامین پور، علی موسوی گرمارودی، حسن حسینی، احمد عزیزی، علیرضا قزوئه» توسط ایمانی نژاد، زینب و با راهنمایی حسن اکبری بیرق (۱۳۹۴). دانشگاه سمنان در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده است که به صورت توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته و قصد نگارنده بر این بوده که تاثیر و بازتاب نهج البلاغه در مولفه های فکری شاعران دفاع مقدساز جمله سید علی موسوی گرمارودی، سید حسن حسینی، علیرضا قزوئه، احمد عزیزی و قیصر امین پور مورد بررسی قرار گیرد. رهیافت این پژوهش آن است که اندیشه ها و مولفه های امام علی (علیه السلام) در کلام ارزشمند نهج البلاغه بر اشعار دفاع مقدس تأثیری قابل ملاحظه داشته است.

پایان نامه‌ای تحت عنوان «بررسی سیمای معصومین (ع) و کارکرد معنایی آن در شعر احمد عزیزی» توسط پری ملک. (۱۳۹۵). و به راهنمای خلیل بیگزاده، در دانشگاه رازی، نگارش یافته است که نگارنده ضمن توجه به مفاهیم اسلامی و اصول کائنات اشعار احمد عزیزی شاعر معاصر ادبیات فارسی در این زمینه را مورد بررسی قرار داده و به اهتمام این شاعر نسبت به سیمای معصومین و کارکرد معنایی آن در اشعارش پرداخته است که از میان شاعران انقلاب احمد عزیزی، علی معلم، موسوی گرمارودی، سیدحسن حسینی، سلمان هراتی، صفارزاده، وحیدی، وسمقی، مردانی، قزوئه، حمید سبزواری و ... اشعاری با سمبولهای اجتماعی عرفانی بی بدیل را به رشته نظم کشیدند که در این پژوهش به اشعار عزیزی و قزوئه پرداخته شده است. جهت آشنایی با شاعران مورد نظر در پژوهش این مقاله به اختصار به معرفی شاعران پرداخته می شود:

مرگ عارفانه و عاشورا

انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت دینی و مذهبی اش، مفاهیم والای عرفانی و مذهبی را در شعر پرورش داد و مخاطبان این شعر را به تأمل در ذات و درون خویش و شعله ور ساختن باورهای عمیق و اصیل دینی و عقیدتی برانگیخت. از بارزترین درونمایه ها و مضامین شعر انقلاب می توان به مواردی چون: بازگشت به خویشتن خویش؛ توجه و یادآوری مقام منبع خلیفه الهی انسان و عارفانه زیستن او؛ خداخواهی و خداگرایی؛ صلح و آشتی و آرزوی برقراری آن در سراسر جهان ستم ستیزی و استبدادستیزی؛ وحدت مسلمانان و تمامی مستضعفان جهان؛ و غفلت ستیزی و دعوت به بیداری و... اشاره نمود و در این راستا می توان به صراحت گفت که

یکی از منبع الهام بخش شاعران پایداری توجه به رخداد جانسوز عاشورا است که شاعران به بیان مظلومیت قهرمانان قیام عاشورای حسینی و آزادگی آنان و گره زدن ابعاد شکوهمند انقلاب اسلامی

و دفاع مقدس و ارزشها و آرمانهای والای مردم با نهضت حسینی و وارستگی های عارفانه است و باید دانست که عاشورا نمادی فراتر از دین بوده و رمز ایستادگی و استکبار ستیزی در مقابل ستمگران و نیز فنا شدن در راه خالق یکتاست و شاعران متعهد به این آرمانها واسطه شناساندن شخصیت های بزرگ و قهرمانان ظلم ستیز کربلا به نسل امروز و فردایند. حماسه جاودانه عاشورا، بر محور خونخواهی از ستم پیشگان تاریخ و انتظار ظهور و امید به آینده ای روشن و انتخاب مرگ سرخ و آگاهانه ایی است که شاعر پایداری حرکت و قیام امام حسین(ع) راهمراهی و مشارکت در رسالت پیامبر(ص) دانسته و با سرودن این بیت آن را بیان نموده است:

شَاطِرَتَ جَدَاكَ فِي الرَّسَالَةِ أَنَّهُا / ثَمْرُ لُغُوسِ جِهَادِكَ الْمُتَأَخَّرِ (فرطوسی؛ ۱۹۷۷: ۳ / ۲۲۰)

ودرون مایه ادب پایداری در کشور ایران، متأثر از وقایع مذهبی به ویژه عاشورای حسینی است. تاریخ عاشورا تا سده اخیر مآخوذ از سیره مقتل نویسی بود و مقاتل نیز جز ترویج سوگ سرایی و تقدیس حس مظلومیت تاثیر مهم تری نداشتند حتی جوهره ارزشمند (فرهنگ شهادت) در سایه مفهوم مجرد (قربانی شدن) به منظور شفاعت گناه کاران ترسیم می شد طرح مفاهیمی چون (حماسه و عرفانی) در پرتو وقایع عاشورای حسینی، نخستین تجلی ادب پایداری بود به عبارت دیگر، به جای آنکه تاریخ عاشورا تنها (اندرز گذشتگان) و (تسکین حال معاصران) باشد به فلسفه پویای قیام در ادوار متوالی تاریخ تبدیل شد (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲).

با مطالعه در اشعار قزوه و عزیزی می توان دریافت که اشعار حماسی عاشورایی این شاعران، با مضامین عرفانی گره خورده است. می دانیم که از مهمترین اهداف عرفان اسلامی ایثار و شهادت و جان دادن در راه حضرت حق و جانان است که انسان هدفمند با مبارزه با نفس و تزکیه وجود خود به مفاهیم عینی فقر و فنا دست می یابد و ناگفته پیداست که تمام آرمانهای عرفانی را می توان در ادبیات دفاع مقدس به نظاره نشست، مفاهیمی مانند نیست شدن از خود و مست جام الست شدن و جنون در عشق جانان با تصاویری بسیار عینی تر از عرفانی که قبلا در ادبیات کلاسیک مطرح شده بود؛ در هشت سال دفاع مقدس نمود پیدا کرد. رزمندگان بی ادعایی که عاشقانه از تمام هستی شان دل کردند و عرفان حقیقی را به نمایش گذاشتند و شاعران پایداری از آن تصاویری زیبا و ادبیاتی پرافتخار خلق نمودند. قصه و حادثه مرگ سرخ و عارفانه ابا عبدالله علیه السلام و نام مبارکش همواره بر تارک عدالت خواهی تاریخ می درخشد و شاعران پایداری از فروغ تابناک این رخداد بهره جسته و این حوادث فراموش ناشدنی تاریخ بر دل و کلامشان جاری است.

مضامین عارفانه

مضامین عرفانی واصطلاحاتی با این مضمون ها مانند: می، عشق، ساغر، میخانه و طریقت و حسرت های عارفانه و قربت الهی و سکر و صحو و فقر و فنا و عروج و جنون عشق و مستی عشق و... با تمام

معانی کنایی و رمزی شان در اشعار شاعران مورد نظر مقاله، به وفور یافت می شود و اگر به طور مفصل به این مهم پرداخته شود، می تواند عنوان رساله ایی رابه خود اختصاص دهد و در این جستار به دلیل محدودیت نگارش مطالب ناچارا به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

شراب عشق نیز از دیگر مضامین و درون مایه های ادبیات پایداری است که می تواند انسان را از بند تعلقات و دلبستگی های دنیوی و مادی برهاند و دسترسی به این مایع حیات بخش عاشقان و بهره مندی از می عشق، به یقین در جبهه های نبرد حق برای عاشقان وارسته و رزمندگان میسر می شد و شاعران پایداری به این مضمون نیز نگاه ویژه ایی داشته اند و آنان عشق و یقین را عامل پیروزی رزمندگان دفاع مقدس دانسته و دست غیبی امداد را در پیروزشان دخیل می دانند

قزوه به دنبال شرابی است که در سحرگاهان اذان را از یاد نبرده و عاشق و مست این وادی نیز دعای ندبه اش را می خواند:

می من سحر گرم اذان است کمیل بن زیاد ندبه خوان است

همان (قزوه ۱۳۸۴: ۴۰)

شراب مورد نظر فریاد هوهوی آن به گوش می رسد و گواه بریکتایی خالق است:

برایم جام جانبازی بیاور می ای از خم خرازی بیاور

قزوه ۱۳۷۶: ۲۳

می یی که قل هو الله احد گوشت می یی که قلقلش فریاد هو هوست

همان (۱۰۴)

سکر و صحو مقام و حال از وارداتی است که بر عارفان عاشق وارد می شود و قزوه از همه این واردات به زیبایی بهره جسته و تمام وجودش را وقف و نذر این عاشقان کرده و آن را در اشعارش آورده است:

من امشب می پرستی می فروشم به خواب صحو رفته عقل و هوشم

یکی شد سکر و صحو، عقل و دینم هوای گریه دارد استینم

چه سکر و صحو شادی افرینی «مقام» شادی و «حال» حزینی

هلا، پیر هشیار درد آشنا بریز از می صبر، در جام ما

دلیم وقف شما ای می پرستان سرم نذر شما ای باده نوشان

قزوه، ۱۳۸۴: ۱۲

عزیزی بایان این که خون حسین (ع) سبب فاش شدن اسراری سربه مهر شده و عاشقان مدهوش از خم کربلا شراب عشق نوشیده و خون سرخ عشق او نشئه و سکری درمیان جهانیان برپا نموده است که قابل وصف نیست :

جرعه ای در کربلا زین خون فتاد راز سرخ آدمی بیرون فتاد
کربلا خم بود و خون زد جوش ازو که چنین شد آدمی مدهوش ازو
عالمی شد نشئه خون حسین وه چه سکری داشت معجون حسین
(عزیزی ۱۳۸۷: ۲۳۶)

عزیزی نیز در شعری از کتاب غزالتانش از خداوند حیرتی را طلب می کند تا موجب نزدیکی اش به معشوق شود و طالب می و شرابی است تا او را به منبع اصلی عشق و مستی برساند:

خدا را از جمال خود نصیب حیرت ما کن
درین آینه ها تا کی نظر بر مظهر اندازیم
بیا ساقی بده جامی به زیر سایه ی طویا
ز ساق عرش تا خود را به حوض کوثر اندازیم
در این بازار حیرانان مجال ما همین باشد
رخ جانان بپوشیم و حجابش بر سر اندازیم

قزوه شهیدان را عاشقان مست و دلیری می داند که از جان الست سیراب شده و مست شده اند:
کجایند مستان جام الست دلیران عاشق شهیدان مست
(قزوه ۱۳۹۶: ۷۷)

احمد عزیزی در بیان برخی وقایع سخت و نیز وقایع پر درد عاشورایی سخت مستاصل می شود و زبانی را به کمک می طلبد که بتواند غم کوچه های دلتنگی اش را بزدايد :

یک زبان خواهم به نرمای حریر تا بگوید وصف باغ شهد و شیر
یک زبان خواهم که طنازی کند لفظ آن با معنی اش بازی کند
یک زبان خواهم به لحن نور و رنگ تا بروید کوچه ی دل های تنگ
(عزیزی، شرحی آواز، ۶۵)

از نگاه قزوه رفتن و شهادت طلبی و قبول مرگ اختیاری، طوفان خروشان دریای وجود انسان عاشق را می‌تواند آرام کرده و سرخوشان عشق با سماع عشق می‌توانند معشوقشان را ببینند و تولدی نورا در زندگی معنوی تجربه نمایند:

خوشا آنانکه چرخیدند در خون خدارا ناگهان دیدند در خون

(قزوه، این همه یوسف، ۲۴)

خوشا آنانکه تا اوپر گرفتند حیات تازه ای از سر گرفتند

(همان، ۲۹)

مضمون عارفانه شهادت در راه خدا و پیروزی خون بر شمشیر از محورهای باورمندان و اعتقادی شهیدان و رزمندگان است که شاعران پایداری نیز با تاسی از آن در این وادی قدم گذاشته و حقیقتی غیر قابل انکار است که در ظرف الفاظ و معانی نمی‌گنجد:

ان شهیدانی که در بدر آمدند عشق را از ذیل تا صدر آمدند

(شرجی اواز، ۱۰۶)

پیر از چنگ مریدان رفته است رو به شتابش شهیدان رفته است

(همان، ۱۲۱)

همانهایی که ماه آسمانند دعا‌های "مفاتیح الجنان" اند

همه عارف دل "شرح تعرف" همه در عشق ابراهیم و یوسف

همانهایی که طی طریقند چو ابراهیم در بیت عتیقند

(این همه یوسف، ۲۰)

شاعران پایداری مضامین عارفانه‌ی دیگری چون تجلی و عشق و غیرت و حیرت و دعا و فنای هستی و مرگ آگاهانه و اختیاری در صفحه آثارشان نقش می‌بندد و ابیاتی از شعر عاشورایی و مشهور آواز علقمه، بیانگر اوج قدرت شاعری عزیزی در این زمینه می‌باشد:

می‌شود برق تجلی رعد ازین قطع شو ای دست غیرت بعد ازین

اه اه ای نیزه پایت بشکند ای خنجر دست هایت بشکند.....

(ملکوت تکلم، ۶۶۱)

شاعران پایداری، اشعار دفاع مقدس را با مضامین و اصطلاحات عرفانی آمیخته و معتقدند که همان واردات قلبی عرفانی بر دل و وجود رزمندگان نیز مستولی گشته و وصف حالشان را بیان می‌

کنند و تجلی را نیز در وجود سالکانه خود و هم‌زمانشان احساس کرده و با تلمیحات زیبا در اشعارشان به تصویر کشیده اند:

مثل شیران تن به شمشیرش سپار دل به گیسوی گره گیرش سپار...
 زخم او آب شهادت می دهد اجر عاشق را زیادت می دهد
 سرخ باید لب گشودن در رهش بی کفن باید غنودن در رهش
 کوی لیلا راه مجنون است و بس رقص عارف در یم خون است و بس...
 (عزیزی، ۱۳۶۸، ۱۴۸، ۱۵۳ -)

قزوه شهدای به قرب رسیده را مستانی تلقی می کند که راه عروج الهی را پیش گرفته اند:
 همانهایی که با او می نشستند خراب از سکر کنز العارفینند
 میان خون خود گرم سجدوند بلانوشان اسرار الشهودند
 (قزوه ۱۳۸۴: ۱۱۰)

می خواهم برقصانم فلک را می یا لیتنی کنا معک را
 (قزوه ۱۳۸۴: ۴۰)

عزیزی از طلایه داران اشعار آیینی و دینی است که بواسطه مثنوی و شطحیاتش که بیشتر در قالب نثرهای عارفانه بود، در میان شاعران انقلاب از شهرتی خاص برخوردار بوده و باید گفت که اشعارش الهام گرفته از آموزه های دینی است و کلام طبع را به زیور آیات الهی آراسته است .

معجز شق القمر ابروی تو لیله الاسرای ما گیسوی تو
 کوثری و ختم قرآن کرده ای تو تلاوت را گلستان کرده ای

عزیزی: ۱۳۸۷، ۲۲۷

و عاشقان آنگاه که خود را در مقام فنا فی الهی دیده اند از خداوند خواسته که آنها را در عطر خود گم کند و دردشان را دوا نماید و در واقع عشق را آغاز و انجام همه چیز تلقی کرده عزیزی و قزوه در ابیاتی زیبا به آن اشاره می کنند:

مهربانی سهم انسان است و بس عشق کار قهرمانان است و بس
 مهربانی بره ای در کاجهاست عشق باغی غرق در حلاجهاست

عشق عباس شقایق مذهب است مهربانی کار دست زینب است

(کفش‌های مکاشفه، عزیزی)
شویده سران صف عشقیم مگر تیغ مرهم بنهد زخم پریشانی مارا

قزوه ۱۳۷۶: ۲۷

می دانیم که مجنون کسی است که عقلش زایل شده و با غلبه احساسات و فعل و انفعالات روحی و روانی شبیه عاشقان می شود و عقل انسان مجنون و عاشق نمی تواند صلاح کارش را بداند و عقل حسابگر و مصلحت اندیش انسان عاشق و مجنون به مسایل مادی و دنیوی پشت پا می زند و این جنون عشق را باید در برخی از اشعار شاعران پایداری به نظاره نشست:

ما دان جنون بودیم از عهد قدیم سنگ قبر ما ست دریا، نقش قبر ما نسیم

عشق علیه السلام (۱۳۰)

وقت است تا در ورطه ی درد چون موج عاشق پا بکوبیم

در بارش یکریز شمشیر مثل عقابی پر بگیریم

وقت قیام پایداری مانند نخلی سرفرازیم

گاه جنون عشق اما، چون بید مجنون سر بریزیم

(قزوه ۱۳۷۶: ۲۳)

وارستگان عاشق در صورت اتصالشان به منبع عظیم عشق، دل در گرو دنیا نمی گذارند و سبکبار تر از باد هستند:

تو مثل کوی بن بستی دل من تهی دستی تهی دستی دل من

اگر یک ذره بو می بردی از عشق به دنیا دل نمی بستی دل من

(قزوه ۱۳۸۴: ۲۲)

از نگاه شاعران پایداری که به مرگ سرخ و اختیاری معتقدند؛ اگر انسان مرگ خویش را با اختیار در مسیر هدفی مقدس انتخاب کند، زندگی را عملی بیهوده و پوچ نمی داند و مرگ به مفهوم پایان همه چیز نخواهد بود و در این میان عشق گاهی قوی تر از مرگ ظاهر می شود و زیبایی‌های بسیاری به زندگی می دهد و می تواند به مبارزه با پوچی زندگی و مرگ برخیزد و از نگاه قزوه و عزیزی انسانهای هدفمند و عاشق، انسانهایی فراتر از انسان زمینی و پای در گلند؛ بلکه آنان وجودی آسمانی داشته و سفیرانی

ابدی که بدنبال خورشیدند و هیچگاه پیام و کلام و رسالتشان تا ابد پایدار است ورد سرخ راهشان بر همگان هویداست:

تابی به گیسویش داد، دیدم که آن جهانی ست
لبخند زد، غزل خواند، دانستم آسمانی ست
فرمود هر سحر عشق... گفتم سلام بر عشق!
جز عشق، هرچه هیچ است، جز عشق، هرچه فانی ست
باید که بی زبان بود، در درد خود نهان بود
تا بود، بی نشان بود، این بهترین نشانی ست
قزوه: ۱۳۹۱، ۶۹

آشفته حالی و سرگشتگی نیز از مضامین عرفانی است و قزوه هنرمندانه آن را در انتظار ظهور موعود بگاز گرفته و به دنبال راهی برای رهایی از سرگشتگی‌ها است:

شهید یوسفستان تو ام؛ زلفی پریشان کن بخشکان با گل لبخندهایت خشکسالی را
سحر، از یاس شد لبریز، دل‌های جنوبی مان نسیم نرگست پر کرد ایوان شمالی را
افق‌هایی که خون‌رنگاند، عصری جمعی مایند تماشا می‌کنم با یاد تو هر قاب خالی را
کدامین شانه را سر می‌گذارم وقت جان دادن؟ کدام ایینه پایانی ست این اشفته حالی را؟
(قزوه، ۱۳۹۱: ۹۶)

از نگاه قزوه موعود و مولایش می‌تواند او را به سرمنزل مقصود برساند و راه را به انسان گمراه می‌نمایاند: از این سرگشتگی سمت تو پارو می‌زنم مولا! - از این گم بودگی سوی تو پیدا می‌کنم راهی (قزوه، ۱۳۹۱، ۲۰)

شاعران پایداری، جذبه‌ها و زیبایی‌های زندگی را ترسیم کرده و رنگی معنوی و عارفانه به آن می‌بخشند. آنها زندگی و مرگی همچون ققنوس را توصیه می‌کنند. برای آنها انسان با مرگ اختیاری و آرمانی، هویت انسانی خویش را تأیید می‌کند. این نوع مرگ، نه تنها قهرمان را جاودانه می‌کند، بلکه انسان وارسته را در خود و خدا به گونه‌ای فنا می‌سازد که قید حیات مادی را زده و به امید عند ربهم یرزقون هستی شان را فدا و فنا می‌سازند.

آنچه به زندگی ارزش می دهد، قطعیت مرگ و کوتاه بودن زندگیست که به آن معنا می بخشد و مرگ انتخابی و اختیاری، در راهی مقدس به معنای دستیابی به یک نوع تعالی و تکامل روحی است. این نوع مرگ در واقع نوعی تقابل و تضاد با زندگی نیست، بلکه مرگ قهرمانانه ضامن تولدی دوباره است.

دل مثل مرغ سمبل خون می فشاند بر گل شادان به شوق تیغش سر می دوید چون پا

عزیزی - ۱۳۸۶ - ۳۹

اغوش سحر تشنه ی دیدار شماسست مهتاب خجل ز نور رخسار شماسست

خورشید که در اوج فلک خانه ی اوست همسایه ی دیوار به دیوار شماسست

(قزوه، ۱۳۸۶: ۲۴)

کاروان از هفت شهر عشق و عرفان بگذرد راه بیت الله اگر از هند و ایران بگذرد

مهربانا! یک دو جامی بیشتر از خود برا مست تر شو تا غدیر از عید قربان بگذرد

«خون نمی خوابد» چنین گفتند رندان پیش از این کیست می خواهد که از خون شهیدان بگذرد؟

(قزوه، ۱۳۹۱: ۴۱)

شاعر انقلاب با حضور در جبهه های جنگ و مشاهده جوانانی که تمامی هستی شان را برای دفاع از کشور و اعتقاداتشان نثار می کنند و برای جانفشانی نمودن از هم پیشی می گیرند، «مرگ» را «سعادت» و «شهادت» را «نور عظیم» می خواند و «اختیار و انتخاب» اسماعیل و اربا پای خود و مشتاقانه به قربانگاه می روند و عزیزی نیز رویش خود را چون خون شهیدان، بهار می داند که راه رابه آنها نشان می دهد:

فصل بهار آمد بوی شهید برخاست باید ز خاک یاران چون لاله ای دمیدن

(عزیزی) ۱۳۸۶ - ۲۳۳

شما بید از ایمل مردان مرد دلبران عاشق، یلان نبرد

شما موج، دریا، شما رود، کوه سیراپا غرور و سیراپا شکوه

(قزوه، ۱۳۸۷: ۲۸۴)

شهیدان همان تشنه لبان عاشقی هستند که بی ادعا با الگو قردادان مولایشان حسین بن علی (ع) وجود خود را در راه عشق باختند و متاسفانه بعد از سپری ایام به قول قزوه از یاد ها می روند که قزوه زبان انتقادش را گشوده است:

دسته گلها، دسته دسته می روند از یادها شمع روشن کرده ای در رهگذار بادها
 سخت گمنامید، اما ای شقایق سیرتان کیسه می دوزند با نام شما شیادها
 (قزوه، ۱۳۶۹: ۵۱)

شهادت و انتخاب مرگ آگاهانه در ادبیات پایداری

از نگاه آموزه های دینی مرگ آگاهانه بهترین نوع مرگ می باشد و پژوهش ها نشان داده است که قیام عاشوراور آیین سوگواری سالار و قهرمان کربلا را نباید به عنوان یک پدیده ساده مذهبی نگریست؛ بلکه عاشورا درس چگونگی زیستن و پایمردی را به انسانها داده و پرچمدار انقلابی بی بدیلی است که قیامش پیامهای سترگ و احیاء کننده ای را در خود دارد که شاعران پایداری با تاسی از این رخداد خونین و انطباق آن با کربلای ایران در هشت سال دفاع مقدس، اشعار خود را به اوراق زرین ادبیات اسلامی ایران الحاق نموده اند که عزیزی و قزوه نیز که از شاعران پایداری هستند بابت جستن از داستان کربلا، شهادت، آزادگی، ایستادگی، استکبارستیزی و... توانسته اند مصادیق و مفاهیم زیبای مرگ آگاهانه و شیرین را به نمایش بگذارند.

مادرم آب و آینه و قرآن می آورد پدرم فالله خیر حافظا می خواند
 (قزوه ۱۳۸۴: ۴۰)

می دانیم که ذکر یاد و نام شهیدان هر انسان اندیشمندی را به اوج تعالی و صعود شهیدان به قله های جهاد و شهادت راهنمون می سازد و قزوه باینی شاعرانه و هنرمندانه مخاطب را در این لذت صعود شهیدان تا کوی عشق و غیرت همراهی می کند:

چو ابراهیم همت در منا باش سراپا غرق در نور خدا باش
 بیا چون میثمی عبد خدا باش به شوق کعبه اش در کربلا باش
 فدای همت عرفانی تو به قربان می چمرانی تو
 برو جردی جهان از او همت محمد های کوی عشق و غیرت
 قزوه (۱۱۳: ۱۱۶)

ای به شمشیر تو قتل نفس دون کشته عشق تو از حیرت فزون
 ما تورا در خواب حیران دیده ایم از خیال توبه خون غلطیده ایم
 (عزیزی: ۱۳۸۷، ۴۵۰)

رنگ سرخ در ادبیات پایداری

از دیرباز تا کنون رنگ به عنوان عنصری برجسته در حوزه محسوسات مورد توجه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت نافذ خویش نموده است و با عنایت به این امر که شاعران از ژرف بین ترین اقشار جامعه هستند، بنابراین طبیعی است که بگوییم نوع نگاه آنان به رنگ، اصیل تر و معنادارتر از سایر افراد جامعه است و رنگها، تأثیر عمیقی در روند خلاقیت و شکل دهی شخصیت افراد در نگاه ژرف اندیش آنان دارد. می توان رنگها را از عناصری دانست که در آفرینش تصویر شاعرانه، نقش موثری دارند. شاعران با استفاده هنرمندانه از رنگ ها می توانند در ساخت تشبیهات و استعاره ها، ظرافت و زیبایی هنر خود را دوچندان بیان نمایند. یکی از شاخص ترین مضامین شعر انقلاب اسلامی شهادت و شهادت طلبی است و بسامد رنگ قرمز و صفات تداعی کننده آن در اشعار شاعران پایداری، نشان از علاقه، بینش دینی و ایدئولوژی مذهبی و انقلابی آنهاست

شفیعی کدکنی در این زمینه می گوید: «مسلم است عنصر رنگ به عنوان گسترده ترین حوزه محسوسات انسانی در تصویرهای شاعرانه سه عمده ای دارد و از قدیمی ترین ایام، مجازها و استعاره های خاصی از رهگذر توسعه دادن رنگ ها در غیر مورد طبیعی خود در زبان وجود داشته است، چنانکه بسیاری از امور معنوی که به حس بینایی در نمی آیند، با صفتی که از صفات رنگ هاست، نشان داده می شده اند.» شفیعی کدکنی (۱۳۸۱: ۱۷۱).

هر رنگی معنایی روانی دارد که نتیجه تأثیر فیزیولوژیک رنگ هاست. در روانشناسی رنگ ها آمده است: «قرمز، یعنی لزوم به دست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی و محرک اراده برای پیروزی و تمام شکل های شور زندگی - از تمایلات جنسی گرفته تا خیزش و تحول انقلابی - را شامل می شود. قرمز، یعنی (تأثیر اراده) یا (قدرت اراده)، در حالیکه رنگ سبز، مظهر انعطاف پذیری اراده فرد است.» (علی اکبرزاده، ۱۳۷۸: ۷۸).

چرا خورشید این آینه کم سوست چرا امسال بی وهم پرستوست

چرا ما از شهادت می گریزیم چرا ما با شقایق می ستیزیم

نه برگ سبزه دین در دفتر ما نه شور سرخ عرفان در سر ما

(عزیزی، ۱۳۷۵: ۲۴-۲۰)

شاعران پایداری هر جا رنگ سرخ را به کار گرفته اند، بوی (شهید) و (شهادت) را می پراکند و برای معنادار شدن چنین مرگی، در کنار رنگ سرخ، از رنگ سبز که رنگ زندگی است، بهره برده اند و با استفاده از این مفاهیم و تعبیر به پاسداشت یاد شهیدان و ترویج فرهنگ ماندگار شهادت پرداخته و ارج نهاده اند.

کی بیبیم در گلستان ولا باز باشد راه سرخ کربلا

رو به سوی دجله قربانی کنیم بر ضریحش شبیم افشانی کنیم

(عزیزی، ۱۳۶۷: ۲۲۵)

نوبهار است و چمن بوی شهادت می دهد در بن هر گل هزاران سوگوار از عطر یاس

(عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۸۵)

ماهی های سرخ عاشق توی حوزی از اسپندند دلشون به دنیا درده کی می دونه چی کشیدن

بچه های خط دوم سرشون به خاکه اما بچه های خط اول اسمونو سر کشیدن

(قزوه، ۱۳۸۴: ۱۳۳)

بر اساس روان شناسی رنگ ها انتخاب رنگ از سوی هر فرد بازتاب وضعیت روانی اوست. اگر چه نمود بیرونی آن بسته به عوامل متعدد فردی و اجتماعی، گوناگون خواهد بود.

قزوه و عزیزی در به کارگیری رنگ ها و استفاده از آن برای آفرینش مضامین و تصاویر نو و انتقال اندیشه های عارفانه بیشترین سهم را دارند

احمد عزیزی شاعر و سراینده عاشورایی در سبک انقلاب اسلامی ایران، بیش از شاعران دیگر در روزگار معاصر به تصویرسازی با گل ها، به ویژه با لاله، شقایق، ارغوان و گل سرخ پرداخته است. وی با زبان چنین گل هایی سخن می گوید و کلمات نیکوگزیده اش را با رنگ و بوی آن ها نقاشی می کند. ابیاتی از مثنوی «زخم زیبایی» را از کتاب گران سنگ کفش های مکاشفه بنگرید:

خاک نرگس گرچه از بینایی است سرزمین لاله عاشورایی است

دیده ام من در شقایق ها به عین اشک زینب خواهر خون حسین

با طلوع لاله گل خم می شود با شقایق ها محرم می شود

ای شقایق ای گیاه شور و شین ای گل محبوب دامان حسین

(عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۰-۳۱۱)

نتیجه گیری

دربرسی و تحلیل اشعار و مضامین دو شاعر بزرگ (عزیزی و قزوئه) باید گفت که مشابهت های اعتقادی، اجتماعی و بن مایه های ادبیات عرفانی و پایداری در اشعار هر دو توجه مخاطب را به خود جلب می کند و حلقه اتصال فکری در خصوص قیام عاشورا و مرگ آگاهانه و مضامین و مفاهیم عارفانه را می توان در اشعار عزیزی و قزوئه به وضوح دید و این دو شاعر آیینی، با ذکر نکات عرفانی و پایداری، ادبیات دفاع مقدس و قیام عاشورا را به اوج خود رسانده و اشعار و مضامین عرفانی و پایداری را با ظرافتی خاص به هم گره زده اند و امام حسین (ع) را مصداق بارز انسان کامل می دانند که عارفانه و عاشقانه به عرش رسیده است. از هنرهای مورد توجه این دو شاعر پایداری، باید به نگرش مرگ و تعبیر مرگ سرخ برای شهادت آنان اشاره نمود که مرگ و نوع چگونگی مردن در سروده هایشان رنگهای مختلفی دارد.

در نگاه آنهارنگ سرخ، رمز ایثار، شهادت، عشق، شادابی، ایمان و نمادی از مرگ عاشقانه و عارفانه و شهادت در راه عشق و رمز شهادی دشت کربلاست و رنگ سبز، نیز به حیات جاوید شهید اشاره دارد و آرامشی است که شهید از رسیدن به هدف خود در زندگی احساس می کند و بسامد استفاده از رنگ سرخ در اشعارشان بیشتر از رنگ سبز می باشد و به عبارتی می توان استفاده از این رنگها را نشانی از بینش دینی و ایدئولوژی مذهبی و اعتقادی آنها در نظر گرفت و نیز برای آفرینش مضامین و تصاویر نو و انتقال اندیشه های عارفانه از آن استفاده کرده اند، اما احمد عزیزی بیش از قزوئه و شاعران دیگر به تصویرسازی با گل ها، به ویژه با لاله، شقایق، ارغوان و گل سرخ و حتی مضامین عارفانه پرداخته است. فراوانی استفاده از مضامین عرفانی و اصطلاحاتی مانند: می، عشق، ساغر، میخانه و حسرت های عارفانه و سکر و صحو و فقر و فنا و عروج و جنون، خون، اشک و آه، شهود، غیرت، تجلی، مرگ سرخ، شهادت طلبی، آزادی، رنگ سبز و سرخ، ... با تمام معانی کنایی و رمزی شان در اشعار هر دو شاعر موید نگاه اعتقادی و عارفانه شان به مرگ آگاهانه و اختیاری است که با الهام گرفتن از رخداد کربلا و تطبیق با هشت سال دفاع مقدس و شهادت رزمندگان وطن توانسته اند مصادیق و مفاهیم زیبایی از عرفان و مرگ عارفانه و آگاهانه را به نمایش بگذارند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. بصیری، محمد صادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. جلد یک کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان
۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۱) صور خیال در شعر فارسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.
۴. عزیزی، احمد (۱۳۸۷) طغیان ترانه. تهران. چاپ اول. نیستان
۵. ----- (۱۳۸۸). شرحی آواز. سوره مهر.
۶. ----- کفش های مکاشفه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۹۰.
۷. ----- (۱۳۷۲). ملکوت تکلم. علمی فرهنگی
۸. ----- (۱۳۷۲). غزستان. چاپ دوم روزنه
۹. ----- (۱۳۸۶). قوس غزل (مجموعه آثار غزل). تهران. چاپ اول. نیستان.
۱۰. علی اکبرزاده، مهدی (۱۳۷۸) رنگ و تربیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات میشا.
۱۱. فرطوسی، عبدالمنعم، ۱۹۷۷؛ ملحمة أهل البيت، بیروت، دار الزهراء للطباعة و النشر
۱۲. قزوه، علیرضا. (۱۳۷۶). از نخلستان تا خیابان (مجموعه شعر). چاپ پنجم. تهران. حوزه هنری
۱۳. ----- (۱۳۹۱). عشق علیه السلام. تهران: چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر،
۱۴. ----- (۱۳۹۳). این همه یوسف: منظومه ای در رثای پاسدار شهید یوسف کلاهدوز. سوره مهر
۱۵. ----- قطار اندیمشک. تهران: لوح زرین. ۱۳۸۴.
۱۶. ----- (۱۳۸۸). من می گویم شما بگریید. تهران. چاپ ۱۲. انتشارات سوره .
۱۷. ----- صبح بنارس. تهران: شهرستان ادب. چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۸. ----- عشق علیه السلام. تهران: چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر،
۱۹. کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی ادبیات پایداری، تهران: نشر پالیزان، چاپ اول.
۲۰. اسفندیاری مهنی، کلثوم و با حاتمی، سعید (۱۳۹۳). پایان نامه «رمز و رمزگرایی در مجموعه آثار احمد عزیزی» دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

۲۱. ایمانی نژاد، زینب. اکبری بیرق، حسن (۱۳۹۴). پایان نامه ارشد «بازتاب نهج البلاغه‌ی امیرالمومنین(ع) بر شاعران دفاع مقدس با تاکید بر اشعار قیصر امین پور، علی موسوی گرمارودی، حسن حسینی، احمد عزیزی، علیرضا قزوئه». سمنان .
۲۲. آذین، آذرمهر، دهقان‌ضاد، رسول (۱۳۹۳). پایان نامه «نمادپردازی در شعر سمیح قاسم و علی‌رضا قزوئه» دانشکده اصول الدین.
۲۳. خانی، سامان و معروف، یحیی (۱۳۹۴). پایان نامه «بررسی تطبیقی عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی» دانشگاه رازی
۲۴. زارع، زینب، هاشمی مرتضی (۱۳۸۹). پایان نامه «بررسی جنبه های زیباشناختی شعر احمد عزیزی براساس کفشهای مکاشفه» دانشگاه اصفهان.
۲۵. کردستانی، سحر. کلاهیچیان، فاطمه (۱۳۹۴). پایان نامه «تصویرشناسی ایثار و شهادت در اشعار «سیدحسن حسینی»، «قیصر امین پور» و «علیرضا قزوئه»» دانشگاه رازی،
۲۶. ملک، پری، بیگ‌زاده، خلیل (۱۳۹۵). پایان نامه «بررسی سیمای معصومین(ع) و کارکرد معنایی آن در شعر احمد عزیزی» دانشگاه رازی،
۲۷. نعمانی، محمد.؛ مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۳) پایان نامه «بررسی مضامین و زبان شعر احمد عزیزی» دانشگاه ارومیه
۲۸. نعمتی، سیدمجتبی، اسکندری، بهاء‌الدین (۱۳۹۰). پایان نامه «عرفان در شعر معاصر با تأکید بر اشعار محمد رضا شفیعی کدکنی، قیصر امین پور، سیدحسن حسینی، طاهره صفارزاده، احمد عزیزی» دانشگاه قم

Mystical Themes and Concepts in Poems by Alireza Ghazveh and Ahmad Azizi

Nahid Hemmati

PhD Student, Persian Language and Literature Dept., Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran

Reza Fahimi

Assistant Professor, Persian Language and Literature Dept., Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran,
Mohammad Taghi Ghandi

Assistant Professor, Persian Language and Literature Dept., Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran

Abstract

Mystical literature is part of the literary heritage created by mystic poets under the influence of Sufism. Mystical themes have been deeply connected with the literature of stability since ancient times, and after the holy defense, its connection has become deeper. Mystical themes not only have a special place in the poems of the prominent mystical poet of the past, but also in the poetry of contemporary poets of stability, especially Azizi and Qazveh. Sustainable literature that is tied to the historical event of Ashura And warriors, by setting an example of Imam Hussein (AS) in protecting the honor and zeal of the homeland and resisting oppression; He chose martyrdom, which is a red and mystical death and the attainment of excellence and perfection And Qazveh and Azizi in the era of holy defense with the benefit of mystical themes; The literature of sustainability is adorned with mystical themes And with poems in order not to care about carnal and worldly belongings, they decorated themes such as love, unity of existence, annihilation and survival, manifestation, astonishment and mystical mysteries such as butler, may, makdeh, ruin, contemporary literature.

In this research, which has been done by descriptive-analytical method, while presenting the evidence of the example of the poets in question, the analysis of mystical concepts based on their poems is mentioned.

And then in conclusion, two poets have benefited from mystical concepts, especially the voluntary death of martyrs.

Keywords:

"Mystical Themes", "Qazveh", "Azizi", "Ashura", "Red Death", "Sustainability Literature."

* Corresponding Author: fahimi.ltr@gmail.com